

" امروز را نگران باشید و سخن از امروز رانید "

اخبار عالم بهائی

دسامبر ۲۰۱۰ سال نهم شماره ۱

شهرالقول ۱۶۷ بدیع

متن نامه سرگشاده جامعه جهانی بهائی خطاب به ریاست محترم قوه قضائیه

۱۶ آذر ۱۳۸۹

آیت الله محمدصادق لاریجانی
ریاست محترم قوه قضائیه
جمهوری اسلامی ایران

جناب آیت الله لاریجانی،

بدون شک آن مقام محترم از محاکمه و نتیجه استیناف خانم‌ها فریبا کمال‌آبادی و مهوش ثابت و آقایان بهروز توکلی، وحید تیزفهم، جمال‌الدین خانجانی، سعید رضائی و غنیمت نعیمی — هفت نفری که تا قبل از بازداشت، عضو هیئت یاران و مسئول تمشیت امور روحانی و اجتماعی جامعه بهائی ایران بودند — مستحضرید.

زندگی این هفت نفر نمونه‌ای از زندگی نه فقط بهائیان بلکه زنان و مردان شریف و نجیب ایرانی از هر صنف و طبقه است. آنها فرزندان راستین این مرز و بوم هستند که کوشیده‌اند ایام حیات‌شان را صرف خدمت به سرزمین خود نمایند. زادگاه‌شان در سراسر خاک پاک ایران زمین، از پایتخت کشور گرفته تا اردستان، مشهد، ارومیه، سنگسر، آبادان و یزد و سن‌شان بین سی و هفت تا هفتاد و هفت سال است. بعضی از آنان پدران و مادرانی سال‌خورده دارند و همگی صاحب فرزندانی در سنین مختلف می‌باشند که کوچک‌ترین آنها در هنگام بازداشت پدر فقط نه‌ساله بود. کار و حرفه آنان شامل مشاغل متنوع و مفیدی است مانند روان‌شناس تربیتی، مدیر مدرسه، مددکار اجتماعی، عینک‌ساز، مؤسس اولین کارخانه اتوماتیک آجرسازی در ایران، مهندس کشاورزی، و مدیر کارخانه نساجی. همه آنها در عین اشتغال به کسب و توجه به وظایف خانوادگی روزمره، خدمات داوطلبانه ارزنده‌ای به مردم سرزمین خود نموده‌اند از جمله پیشبرد تساوی حقوق زن و مرد، ترویج سوادآموزی در بین اهالی ایران و فراهم ساختن امکانات آموزش برای هزاران جوان بهائی که از زمان انقلاب اسلامی تا به حال از حق تحصیلات عالی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور محروم بوده‌اند.

از آنجایی که به درستکاری خود اطمینان داشتند و کوچک‌ترین دلیل و مدرکی هم در اثبات اتهامات وارده بر ایشان وجود ندارد، امید این مظلومان آن بود که روند قضایی ایران آنان را تبرئه نماید. اما متأسفانه این امید تا به حال تحقق نیافته و با آنان به روشی ظالمانه و مغایر موازین قانون و معیارهای عدل و انصاف رفتار شده است. به شهادت تاریخ، هرگاه شهروندان بی‌گناه به دادگاه‌های نمایشی کشیده شوند در حقیقت نظام قضایی و کارگزاران قانونی مربوطه هستند که در پیشگاه وجدان مردم محاکمه می‌شوند. پرونده این هفت نفر که از ابتدا انظار جهانیان

اعمّ از ایرانی و غیر ایرانی را با شگفتی روزافزون به خود جلب نموده، در هر مرحله از مراحل با چنان قانون‌شکنی‌های فاحشی همراه بوده که عدالت‌خواهی دست‌گاهی را که مدّعی حراست ارزش‌های اسلامی می‌باشد زیر سؤال برده است.

بی‌عدالتی آشکار در صدور حکم ده سال زندان برای این شهروندان مطیع و قانون‌مدار، ما را بر آن داشت تا در مقام نمایندگان یک‌صد و هشتاد و شش جامعه ملّی بهائی در سازمان ملل متحد از شما تقاضا کنیم که به جبران این قصور خطیر بپردازید و عدالتی را که از آن محروم گشته‌اند در حقّ آنان مجری دارید. این تقاضا تنها از جانب هم‌کیشان آنها در سراسر عالم نیست بلکه سازمان ملل متحد، دولت‌ها، نمایندگان پارلمان‌های جهان، مؤسّسات و جوامع مدنی، افراد خیر و انسان‌دوست و متفکرین اجتماعی نیز با ما هم‌رأی و هم‌صدا هستند و آزادی فوری آن مظلومان را خواهند.

مأمورین وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی با توسّل به شیوه‌های ناشایسته‌ای که حتّی با قوانین فعلی ایران نیز مغایر است — از قبیل بازداشت غیر قانونی، محروم نمودن بازداشت‌شدگان از دسترسی قانونی به وکیل و هم‌چنین بازجویی و رفتار دور از موازین رایج مدنی به منظور مجبور کردن متّهمین به اعترافات بی‌اساس — نهایت سعی را به عمل آوردند که جرمی برای آنان بتراشند. با وجود این، دادستان سرانجام نتوانست سند معتبری بر اثبات ادّعای خود بیابد. در عوض آنچه بر ملا شد نقشه‌های شوم بعضی از مسئولین و انگیزه‌های غیر انسانی و رفتار ظالمانه بازجویان بود. آنچه بر همگان نمودار گشت آمادگی اولیای امور برای پایمال نمودن همان موازین عدالتی است که به نیابت از طرف ملّت ایران به حفظ و رعایت آن موظّفند.

نفس محاکمه آنچنان از اصل بی‌طرفی که لازمه آیین دادرسی است عاری بود که در واقع محکمه به مَضْحَکِه بدل گشت. متّهمین با اطمینان کامل به بی‌گناهی خود و با اعتقاد محکم به برکناری از هرگونه پنهان‌کاری تقاضای محاکمه علنی کرده بودند. پرسش هر شخص کنج‌کاو این است که چرا قضات، دادگاه را "آزاد و علنی" اعلان نمودند ولی تقاضای ناظران علاقه‌مند از جمله هیئت‌های دیپلماتیک پذیرفته نشد؟ دلیل سخت‌گیری برای شرکت نزدیکان متّهمین در جلسات دادگاه چه بود؟ چرا خبرنگاران از ورود به جلسات دادگاه منع گردیدند اما فیلم‌برداران دولتی فعّالانه حضور داشتند؟ دلیل حضور رعب‌آمیز مأمورین وزارت اطلاعات در جلسات دادگاه چه بود؟ بر چه اساسی اجازه داده شد که دیانت متّهمین در رأی صادره از طرف قضات، "فرقه ضالّه" ذکر شود؟ آیا نفس این عمل نشانه روشنی بر این نیست که دادگاه اصل بی‌طرفی را رعایت نکرده است؟ تنها نتیجه‌گیری ممکن این است که مسئولین امور متأسّفانه تحت تأثیر تعصّبات کور مذهبی و نفرت نسبت به جامعه بهائی و عقاید بهائیان عمل نموده‌اند. چگونه می‌توان بر اساس ظلم و انکار سیستماتیک حقوق اساسی گروهی از مردم، جامعه‌ای بر اساس عدالت بنا نمود؟ ملاحظه فرمایید که رفتار دولت ایران با شهروندان خود تا چه حدّ با ادّعاها و اظهارات دولت مردان آن کشور در میادین بین‌المللی مغایر است.

دادگاه استیناف طبق حکم مورخ ۲۱ شهریور ۱۳۸۹ رأی مربوط به جرایم جاسوسی، هم‌دستی با دولت اسرائیل و دادن اسناد سری به اتباع خارجی به منظور به خطر انداختن امنیت ملی را رد کرد. دادگاه بدوی نیز متهمین را از جرم خدشه‌دار کردن نام جمهوری اسلامی ایران در صحنه بین‌المللی و از مفسد فی الارض بودن تبرئه کرده بود. بدین ترتیب آنچه از محتویات پرونده باقی مانده بود فعالیت‌های این هفت نفر در زمینه تمشیت امور روحانی و اجتماعی جامعه بهائی ایران بود. ولی قضات محترم که خالی بودن پرونده از هر نوع اتهام واقعی علیه مصالح ایران و ایرانیان را به چشم یقین مشاهده کرده بودند تحت فشار مسئولین مجبور به صدور حکمی شدید برای این بی‌گناهان بودند. بنا بر این با زمینه‌سازی، در واقع معتقدات مذهبی و خدمات این نفوس به جامعه بهائی را — خدمات بی‌شائبه‌ای که موجب امتنان هم‌وطنان بهائی آنان بود — واژگون جلوه‌گر ساخته و غیر قانونی قلم‌داد کرده، آنان را صرفاً به علت بهائی بودن به ده سال زندان محکوم نمودند و اعتراض شدید نه تنها متهمین و اعضای خانواده‌های آنها و جامعه جهانی بهائی، بلکه دیگر طرف‌داران عدالت در ایران و سراسر جهان را موجب شدند.

متهم نمودن نمایندگان جامعه بهائی به انجام اقدامات غیر قانونی، در حالی که مساعی‌شان در راه اداره امور جامعه در طی بیست سال گذشته با اطلاع کامل مسئولین دولت جمهوری اسلامی انجام می‌گرفته، امری کاملاً بی‌اساس، دور از انصاف و غیر قابل توجیه است. جامعه جهانی بهائی در نامه سرگشاده مورخ ۱۴ اسفند ۱۳۸۷ خود به دادستان کل جمهوری اسلامی، بطلان این اتهام را به تفصیل بیان داشته است و اکنون توجیه حضرت عالی را به آن نامه جلب می‌نمایم. مطالعه بی‌غرضانه و بی‌طرفانه آن روشن می‌سازد که هیچ دلیل موجهی وجود ندارد که بر اساس آن جمهوری اسلامی بتواند بهائیان ایران، از جمله این هفت نفر، را خطری برای نظم عمومی و منافع جمعی آن سرزمین بدانند.

در اثبات اتهام مربوط به اقدام علیه امنیت ملی و مشارکت این هفت نفر در اعمال خراب‌کارانه و یا این ادعا که آنها به جریان‌سازی علیه رژیم اشتغال داشته‌اند کوچک‌ترین مدرکی وجود ندارد و البته متهمین نیز آن را مؤکداً رد نموده‌اند. ذکر این اتهامات با سابقه درخشان بهائیان ایران و جهان که خدمت به وطن و نوع انسان را جزئی جدایی‌ناپذیر از تعهدات اخلاقی خود می‌دانند ابداً موافق و سازگار نیست و هم‌چنین با این تعلیم بهائی که "در مملکت هر دولتی ساکن شوند باید به امانت و صدق و صفا با آن دولت رفتار نمایند" توافقی ندارد. این نحوه دادرسی و این اتهامات نشانه تجاوز به حریم وجدان و آزادی عقیده شهروندان ایران می‌باشد و کاملاً مخالف اصل چهاردهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است که می‌گوید: "به حکم آیه شریفه "لا ینهاکم الله عن الدین لم یقاتلکم فی الدین و لم یخرجکم من ديارکم ان تبرؤهم و تقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین" دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیر مسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند...."

این هفت نفر که هر نوع نقض حقوق بنیادین بشری و هتک حرمت انسانی را تحمل نموده‌اند اکنون سال سوم است که در بند به سر می‌برند و مسجوبیت‌شان هنوز هم در کمال گستاخی بازداشت "موقت" نامیده می‌شود.

مشاهده همت بلند، خوی خوش و کردار نیک‌شان در تضاد با رفتار خشن سرکوب‌گران و در قبال همه سختی‌هایی که تحمل کرده‌اند، گواه دیگری بر سعه صدر و خلوص نیت آنان است و مردم شریف ایران حال بر آن شهادت می‌دهند. اخبار واصله حاکی از آن است که هم‌بندان‌شان رفتار و کردار آنان را تحسین و تمجید می‌کنند و در آنها نور امید و منبع تسلی و آرامش می‌بینند، از حکمت‌شان کسب توان و نیرو می‌نمایند و آنان را نماد پاک‌دلی و آزادی که از ویژگی‌های مردم ایران است می‌شمرند.

حضرت آیت الله، کوشش در جهت سرکوبی این صفات اخلاقی و خصایص روحانی چه دردی را درمان می‌کند و این ظلم و ستم نشانه تمسک به کدام یک از اصول متعالی است که حضرت محمد (ص) ترویج آن را از فرایض دین مبین اسلام می‌شمرند؟ زندان گوهردشت بدون شک افراد بی‌گناه دیگری به غیر از این هفت نفر را در بر دارد. چرا اجازه می‌دهید که یک انسان مجبور به تحمل محیط کثیف، متعفن، مملو از حشرات و آلوده به امراض و فاقد تسهیلات کافی برای نظافت و بهداشت آن زندان باشد؟ این چنین محیط خشن و موهنی حتی درخور خطرناک‌ترین مجرمین نیست. آیا در نظر دولت ایران تحمل چنین شرایطی بر شهروندان خود با رحمت و عدالت اسلامی توافق دارد؟ چرا به احتیاجات شدید بهداشتی و درمانی زندانیان توجهی نمی‌شود؟ اگر لطمه جدیدی به سلامت این هفت نفر وارد شود چه کسی مسئولیت آن را بر عهده خواهد داشت؟ چرا این معصومان به غذای مناسب دسترسی کافی ندارند و سلول‌شان آنقدر تنگ است که نه تنها خواب برایشان دشوار گشته بلکه قادر نیستند به آسانی به ادای نماز و دیگر عبادات روزانه خود بپردازند؟ چرا قوه قضائیه بی‌رحمانه آنان را حتی از حق استفاده از مرخصی اضطراری محروم کرده است؟ آیا این تضییقات هدفی به جز تضعیف روحیه این هفت نفر و دیگر بهائیان ایران دارد؟ ملاحظه فرمایید که چگونه بهائیان ایران پیوسته مجبورند از رسانه‌های وابسته به دولت خود نسبت به عقاید خویش توهینات ناروا بشنوند و شاهد تحریف و تخدیش تاریخ دین‌شان باشند، تحریکات گوناگونی را که با پشتیبانی بعضی از مسئولین امور در کوچه و بازار و از فراز منابر برای ایجاد نفرت نسبت به آنان انجام می‌شود تحمل نمایند، به زندان غیر قانونی تن در دهند، محرومیت از تحصیلات عالی و محدودیت در امرار معاش را بپذیرند، در مدارس دولتی فحش و ناسزا بشنوند، املاک‌شان ویران شود و قبرستان‌هایشان با پشتیبانی مأمورین زیر و رو گردد. دست‌آورد این خط مشی تا به حال چه بوده است؟ تضییقات شدید و وارده بر بهائیان در چند دهه اخیر آنان را در نظر مردم ایران سرمشق پای‌بندی به اصول معنوی و مظهر مقاومت سازنده در برابر ظلم ساخته و هم‌چنین موجب افزایش چشم‌گیر علاقه مردم ایران‌زمین به آشنایی با حقایق آیین بهائی شده است.

در دی ماه ۱۳۸۸، بیت العدل اعظم، مرجع عالی بهائیان جهان، در پیامی خطاب به بهائیان ایران به این مسئله اشاره نمودند که هرگاه صاحبان قدرت با دسیسه‌بازی بر علیه شهروندان بی‌گناه عمل نمایند، در نهایت موجب بی‌اعتباری خود می‌شوند. جامعه جهانی بهائی نیز در نامه مورخ ۱۴ اسفند ۱۳۸۷ خطاب به دادستان کل جمهوری اسلامی ایران اظهار داشت که تصمیمات سیستم قضایی ایران در مورد بهائیان پیامدهایی فراتر از جامعه

بهای آن کشور دارد و به مسئله آزادی وجدان همه افراد ملت تعمیم می‌یابد. امید از ذکر این مطالب آن بود که قضات محترم دادگاه به خاطر حفظ احترام این مرز و بوم، در قضاوت جانب عدالت گیرند.

بهایان در کشور شما "دیگران" نیستند بلکه جزئی جدایی ناپذیر از ملت ایران هستند. بی‌عدالتی‌های وارده بر آنان بازتابی از مظالم دهشتناکی است که ملت ایران را از هر طرف احاطه نموده است. رعایت حقوق بهائیان اکنون می‌تواند نمایانگر آمادگی شما برای رعایت حقوق همه شهروندان باشد. جبران بی‌عدالتی‌های وارده بر بهائیان پرتوآمدی در قلوب همگان نسبت به تعهد شما به گسترش عدالت به کلیه ساکنان آن سرزمین خواهد دمید. بنا بر این درخواست ما از طرف این هفت نفر در حقیقت درخواستی برای رعایت حقوق تمام ایرانیان است.

با قلبی مملو از عشق به کشور مقدس ایران و با آرزوی شکوه و عظمت آن سرزمین، از آن جناب در مقام ریاست قوه قضائیه تقاضا می‌کنیم که اعضای سابق هیئت یاران را آزاد نمایید و دیگر بهائیان را نیز که در سراسر کشور در بندند — از جمله خانم‌ها هاله روحی و رها ثابت و آقای ساسان تقوا، سه جوان بهائی که صرفاً به جرم کمک‌های انسان‌دوستانه در جهت سوادآموزی به کودکان مناطق فقرزده، اکنون چهارمین سال مسجونیت خود را در شیراز می‌گذرانند — آزاد کنید. حقوق کامل شهروندی تمام بهائیان را محترم شمرد تا بتوانند آرزوی قلبی خود را برای خدمت در راه پیشبرد وطن عزیزشان دوش به دوش هم‌میثان خویش تحقق بخشند. این حق و این آزادی در اصل همان است که شما به درستی برای مسلمانانی که به صورت اقلیت در سایر کشورها به سر می‌برند طلب می‌نمایید. بهائیان نیز درخواستی بیش از این از شما ندارند.

با احترام،

جامعه بین‌المللی بهائی

رونوشت: سفیر محترم جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل متحد

..هر زمان که موعود الهی ظاهر شد جامعه اهل ایمان گرد این نقطه مرکزی که صاحب امر و حیات روحانی آنان بود جمع آمدند و نظام و ارزشهای جدیدی به وجود آمد و وجدان و رفتار افراد انسانی تربیتی تازه یافت. علم و صنعت و هنر نیز جواب مساعد داد. بالاخره قوانین و تشکیلات امور اجتماعی از نو ساخته شد. تمدنی نوین ظاهر شد و کم‌کم به پیش رفت و کسی بر مقاومتش قادر نیامد. تمدنی که آمال بشر را برمیآورد و استعدادهای نهفته ملیونها نفر را چنان به عرصه شهود می‌رساند که بنیان جهانی نوین مرتفع می‌گشت، جهان نوینی که برای اهل ایمان که معتقدند "کل به وجود او قائمند و از فیض او ظاهر و به او راجع" واقعی تر از جهانی است که بر پایه مادی این عالم خاک استوار است. در قرنهای بعد از هر ظهوری جامعه انسانی همواره اساس یکپارچگی و اعتماد به نفس خود را بر آن قوه محرکه روحانی که سبب پیدایش جامعه گردیده استوار میسازد.

باطهور حضرت بهاءالله داستان مذکور دوباره تکرار شد با این تفاوت که این ظهور جدید تمام جمعیت زمین را دربرمیگیرد. در وقایع قرن بیستم می‌بینیم که ظهور جدید اولین مراحل تحول بین‌المللی جامعه انسانی را بنیان نهاد چنان که حضرت بهاءالله می‌فرمایند:

"واشهد بان من اول كلمة خرجت من فمه... انقلب الاشياء كلها والسماء وما فيها والارض ومن عليها وبها انقلب حقائق الوجود واختلفت وتفرقت وانفصلت وانتلفت واجتمعت ونهت الكلمات التكوينية في عالم الملك والملكوت والظهورات الواحديّة في عالم الجبروت والآيات الاحديّة في عالم اللاهوت."

مناجاة حضرت بهاءالله ص ۱۹۷ دارالنشر البهائية ۱۹۸۲

نامه سرگشاده از حقوق همه ایرانیان دفاع می‌کند

۱۶ آذر ۱۳۸۹ (۷ دسامبر ۲۰۱۰)

نیویورک- جامعه جهانی بهائی امروز، در نامه‌ای سرگشاده به رئیس قوه قضائیه ایران، آزار بهائیان در این کشور را با خواست ایران برای رعایت حقوق اقلیت‌های مسلمان در کشورهای دیگر مقایسه کرد.

در این نامه آمده است: «تقاضا میکنیم...حقوق کامل شهروندی تمام بهائیان را محترم شمردید تا بتوانند آرزوی قلبی خود را برای خدمت در راه پیشبرد وطن عزیزشان دوش به دوش هم میهنان خویش تحقق بخشند.»

«این حق و این آزادی در اصل همان است که شما به درستی برای مسلمانانی که به صورت اقلیت در سایر کشورها به سر میبرند طلب مینمایید. بهائیان نیز درخواستی بیش از این از شما ندارند.»



نامه می‌افزاید رعایت حقوق بهائیان «میتواند نمایانگر آمادگی شما برای رعایت حقوق همه شهروندان باشد.»

این نامه، که به تاریخ ۱۶ آذر خطاب به آیت‌الله محمدصادق لاریجانی نوشته شده، بی‌عدالتی‌هایی را که نسبت به شهروندان بهائی ایران اعمال می‌شود «بازتابی از

مظالم دهشتناکی ... که ملت ایران را از هر طرف احاطه نموده است.» می‌داند و اضافه می‌کند: «جبران بیعدالتی‌های وارده بر بهائیان پرتو امیدی در قلوب همگان نسبت به تعهد شما به گسترش عدالت به کلیه ساکنان آن سرزمین خواهد دمید.»

جامعه جهانی بهائی براین قیاس می‌نویسد: «بنابراین درخواست ما ... در حقیقت درخواستی برای رعایت حقوق تمام ایرانیان است.»

«چگونه میتوان بر اساس ظلم و انکار سیستماتیک حقوق اساسی گروهی از مردم، جامعه‌ای بر اساس عدالت بنا نمود؟ ملاحظه فرمایید که رفتار دولت ایران با شهروندان خود تا چه حد با ادعاها و اظهارات دولتمردان آن کشور در میادین بین‌المللی مغایر است.»

متن کامل نامه سرگشاده: http://news.persian-bahai.org/webfm_send/686

«شیوه‌های ناشایسته»

نامه فهرستی از «شیوه‌های ناشایسته» ای را ارائه می‌کند که مأمورین در جریان بازداشت، دادگاه‌های اولیه و استیناف هفت مدیر جامعه بهائی، که پیش‌تر - با آگاهی مسئولان مملکتی - اعضای هیأتی ملی برای رسیدگی به امور اولیه جامعه بهائیان ایران بودند، نسبت به آنها اعمال کرده‌اند.

این هفت نفر در میان اتهام‌های دیگر به فعالیت علیه نظام اسلامی و راه‌اندازی تشکیلات غیرقانونی متهم شده بودند. اتهاماتی که قاطعانه از جانب آنها رد شد.

نامه با اشاره این که دادستان این پرونده «سرانجام نتوانست سند معتبری بر اثبات ادعای خود بیابد.» می‌نویسد دادگاه چنان «از اصل بیطرفی که لازمه آیین دادرسی است عاری بود که در واقع محکمه به مضحکه بدل گشت.» و از رئیس قوه قضائیه می‌پرسد: «بر چه اساسی اجازه داده شد که دیانت متهمین در رأی صادره از طرف قضات، "فرقه ضاله" ذکر شود؟»

این نامه ادامه می‌دهد: «آنچه بر همگان نمودار گشت آمادگی اولیای امور برای پایمال نمودن همان موازین عدالتی است که به نیابت از طرف ملت ایران به حفظ و رعایت آن موظفند.»

بانی دوگال، نماینده ارشد جامعه جهانی بهائی در سازمان ملل می‌گوید این اتهام که مدیران جامعه بهائی برخلاف مصالح ایران عملی انجام داده‌اند از ابتدا بی‌اساس بوده است.

خانم دوگال گفت: «به این بی‌عدالتی باید این نکته را افزود که هنوز قوه قضائیه حکم دادگاه تجدید نظر را رسماً ابلاغ نکرده و در نتیجه این زندانیان از حق درخواست آزادی به قید وثیقه یا مرخصی از زندان محروم هستند.»

او افزود: «برخلاف تمام موازین منطقی این گروه هنوز در سومین سال زندانی بودن تحت عنوان "بازداشت موقت" در زندان هستند.»



شرایط هول‌آور

بعد از صدور احکام دادگاه، این هفت زندانی - بهروز توکلی، وحید تیزفهم، مهوش ثابت، جمال‌الدین خانجانی، سعید رضائی، فریبا کمال آبادی، و عقیف نعیمی - از زندان اوین به زندان گوهردشت کرج منتقل شدند.

خانم دوگال گفت: «آنها اینک برخلاف قوانین ایران در مورد انتقال زندانیان در تبعید نگهداری می‌شوند. و در میان انواع بی‌حرمتی‌های دیگر باید محیط کثیف و متعفن و آلوده به امراض را در سلول‌هایی چنان کوچک که جا برای دراز کشیدن یا حتی انجام عبادت روزانه آنها را ندارد، تحمل کنند.»

او افزود: «گزارش‌های اخیر نشان می‌دهد که سلامت آنها به خطر افتاده و به امکانات درمانی دسترسی کافی ندارند.»

اخبار محاکمه و محکومیت این هفت نفر موجی از اعتراض‌های بین‌المللی را در سراسر جهان برانگیخت. اتحادیه اروپا و رئیس پارلمان اروپا به همراه نهادهای متعدد مدافعان حقوق بشر، رهبران دینی و افراد بیشمار دیگری به جمع معترضان به این حکم‌ها پیوستند.

خانم دوگال گفت: «ما با دولت‌ها و مردم خیراندیش جهان هم‌صدا می‌شویم و از رئیس‌قوة قضائیه می‌خواهیم این هفت بهائی بیگناه را- و به همراه آنها تمام بهائیان را که در اطراف کشور زندانی هستند- آزاد کند.»

شروع عملیات خاک برداری بنای «معبد نور» در شیلی

سایت خبری جامعه بهائی این بشارت را در به عالم بهائی در سایت خبری خود چنین منتشر نمود: ۰۷: آذر ۱۳۸۹ (۲۸ نوامبر ۲۰۱۰)



سانتیاگو، شیلی - عملیات خاک برداری مشرق‌الاذکار تازه بهائی در آمریکای جنوبی، که در سانتیاگو پایتخت شیلی بنا خواهد شد، آغاز شده است. کارهای ساختمانی به دنبال جستجوی طولانی برای محل این بنا و نیز چالش‌های فنی بی‌سابقه، از جمله ابداع ماده‌ای کاملاً جدید

برای نمای بیرونی آن، شروع شده است. محل ساخت این بنا در تپه‌های پنیالون، در مجموعه‌ای در شهر سانتیاگو، در دامنه کوه‌های آند است.

بیت العدل اعظم در پیام مورخ ۲۶ نوامبر ۲۰۱۰ شروع عملیات خاک برداری برای ساختن مشرق‌الاذکار شیلی را اعلام و اظهار امیدواری می‌کنند که شروع ساختمان موجب تشویق و سرور بهائیان در سراسر عالم شود. در این پیام همچنین آمده است که رسیدن به این مرحله مستلزم عبور از بسیاری موانع بوده است.



برای سیامک حریری، از دفتر معماری حریری پونتارینی در کانادا، که این معبد را طراحی کرده، شروع این مرحله «لحظه بسیار مسرت بخشی است.» او می‌گوید: «ما محل فوق‌العاده‌ای پیدا کرده ایم، که از همه جای



سانتیاگو دیده میشود. حتی اگر شما با هواپیما از نقاط دیگر جهان به اینجا بیایید، آن را در دوردست می بینید.»

بنای مشرق الانکار و باغ های آب در اطراف آن که با گیاهان بومی منطقه پوشیده خواهد شد ده هکتار از مجموعه پنجاه هکتار زمین های محوطه اش را پوشش خواهد داد. در این مرحله عملیات خاکبرداری به قطر ۳۰ متر- برای پی ریزی بنا و تأسیسات زیرزمینی آن آغاز شده است.

معابد بهائی

مشرق الانکارهای بهائی، بناهای ویژه ای

هستند که به روی همه مردم باز هستند، و بازدیدکننده ها می توانند در فضای آرامش بخش آنها به تعمق و عبادت پردازند و -در بعضی مواقع- به آوازهائی از متن های مقدس ادیان جهان گوش کنند. از مشخصات اصلی هر مشرق الانکاری این است که، در زمان مقتضی، به محور و مرکز معنوی مجموعه ای از تأسیسات و نهادهای اجتماعی، خیریه و آموزشی تبدیل می شود که برای خدمت به مردم سرزمین های اطرافشان ایجاد خواهد شد.

بنای سانتیاگو، بعد از اتمام، هشتمین مشرق الانکار بهائی، و آخرین آنها در سطح قاره ای خواهد بود. هفت مشرق الانکار دیگر در استرالیا، آلمان، هند، پاناما، اوگاندا، ایالات متحده و ساموای غربی قرار دارند.

«شگرف و بدیع»

فکر بنای یک مشرق الانکار بهائی در شیلی در سال ۲۰۰۱ اعلام شد. محفل ملی بهائیان شیلی یک سال بعد دعوتی برای ارسال طرح های اولیه را منتشر کرد و متعاقباً ۱۸۵ پیشنهاد از ۸۰ کشور جهان به آن محفل ارسال شد.

در خلاصه طرح از معماران خواسته شده بود بنائی گنبدی شکل با ۹ ورودی، که به شکل نمادین محل استقبال از مردم اقصای زمین برای تجلیل و ستایش خدا است، طراحی کنند.

از میان ۴ طرح برگزیده که به فهرست کوتاه شده طرح ها راه یافت پیشنهاد دفتر معماری حریری پونتارینی، که در پیام





اخیر بیت‌العدل اعظم از آن به عنوان شگرف و بدیع یاد شده، برای تکمیل و توسعه انتخاب شد.

این بنا ترکیبی از نه «بال» شفاف است که از زمین برآمده و مثل این است که بر بستری از انعکاس گل‌های زنبق در حرکت است. این بال‌ها در طول روز نور خورشید را به داخل بنا هدایت می‌کنند و شب‌ها از نوری که در داخل بنا روشن می‌شود شعاع‌های گرم نور را به بیرون می‌تابانند.

اجرای طرح ابتکاری این بنا نیاز به ابداع نوعی شیشه خاص برای سطح بیرونی آن داشت. به گفته مهندس حریری «این یک سفر تجسسی بود که ۱۸ ماه طول کشید.» باید ماده‌ای که بتواند در مقابل شرایط اقلیمی محل و زلزله‌خیز بودن مقاوم بماند ساخته می‌شد.

آقای حریری می‌گوید: «ما آزمایش‌های لازم را انجام داده‌ایم، مسائل را بررسی کرده‌ایم، و افراد متخصص حاصل کار را ارزیابی کرده‌اند. همه مجوزها صادر شده است و حالا بهترین وقت برای شروع کار ساختمان است.»

جوایز و ستایش‌ها از طرح

از زمانی که طرح این مشرق‌الاذکار رونمایی شده است در بیش از ۴۰ نشریه بین‌المللی از آن ستایش شده و جوایز بسیاری به آن تعلق گرفته است. مجله Canadian Architect یکی از تقدیرنامه‌های سال ۲۰۰۴ را به این طرح داد. یکی از داوران در باره آن نوشت: «ترکیب یگانه‌ای از نیروهائی است که به نظر می‌رسد قرار است به نمادی جهانی تبدیل شود...»

در تازه‌ترین مورد، یک هیأت صد نفری داوران از سراسر جهان طرح این مشرق‌الاذکار را مشترکاً با طرح دیگری به عنوان برنده گروه «بناهای ناساخته مدنی» در نشریه اخبار جهانی معماری انتخاب کردند.

آقای حریری گفت: «مصادف شدن دریافت این جایزه با این زمان که قرار است کارهای خاکبرداری شروع شود، تقارن دلپذیری است.»



آزادی ساسان تقوا و هاله روحی، دو فعال مدنی بهایی

جمعیت مبارزه با تبعیض تحصیلی در گزارش ۱۷/آذر/۱۳۸۹ سایت خبری خود در اینباره مینویسد :

ساسان تقوا و هاله روحی دو شهروند بهایی و فعال مدنی شهر شیراز که در حال طی کردن دوران ۴ سال محکومیت خود بودند، امروز ۱۷ آذر ماه آزاد شدند.

بر اساس گزارشات رسیده به جمعیت مبارزه با تبعیض تحصیلی، آزادی این دو فعال مدنی بنا بر «حکم رسمی دادگاه انقلاب شهر شیراز» بوده است.



بر اساس این گزارش، حکم آزادی خانم رها ثابت، سومین فعال مدنی بهایی شهر شیراز «در دست اقدام است».

هاله روحی، ساسان تقوا و رها ثابت در اردیبهشت سال ۱۳۸۵ به همراه ۵۱ نفر از فعالین مدنی شهر شیراز، به خاطر مشارکت در برنامه آموزشی برای کودکان محروم داخل و حومه شهر شیراز، بازداشت شدند.

وحدت و یگانگی جامعه

" همانطور که یک موجود زنده فقط محصول ترکیب تصادفی عناصر مرکبه اش نمی باشد وحدت و یگانگی نیز حالت و وضعی نیست که فقط از حسن نیت متقابل و با داشتن مقصدی واحد و صداقت و صمیمیت حاصل گردد. بلکه وحدت و یگانگی مظهر قوه خلاقه ای است که وجود آن از طریق نتایجی که اقدام جمعی به وجود می آورد آشکار میشود و فقدان آن از بی حاصلی این اقدامات نمایان میگردد. هرچند پرده جهل و غفلت بشری روی آن نیروی بزرگ راهمیشه پوشانده است اما آنچه بیش از همه چیز تمدن بشر را بسوی ترقی و پیشرفت رانده است همان قوه است که منشاء قوانین حقوقی گشته است ، بنیان مؤسسات سیاسی و اجتماعی بوده است ، آثار هنری و دست آوردهای صنعتی و فنی نامحدودی را الهام بخشیده است ، عالم اخلاق را آراسته است ، سبب رفاه مادی شده است و ادوار دراز مدتی از صلح و آشتی را به وجود آورده است که در خاطره ها به عنوان عصر طلایی باقی مانده است... "

از کتاب قرن انوار ص ۳۵-۳۴

سپاس به زنی که

نقشی اساسی در نگارش و تصویب اعلامیه حقوق بشر داشت

در آستانه ی دهم دسامبرخانم شکوه میرزادگی با نگارش مقاله ای که درسایت خبری ایران پرس نیوز بتاريخ چهارشنبه ۱۷/آذر/۱۳۸۹منتشرشده است از «مادر حقوق بشر مدرن» بشرح ذیل یاد میکند , نظر به مفصل بودن این مقاله به درج قسمتهائی از آن اکتفا میگردد.

شصت و دو سال پیش، هنگامی که اعلامیه ی حقوق بشر چون آفتابی درخشان، یکسان و گرما بخش، بر زندگی بشریت قرن بیستم نشست، کمتر کسی باور داشت که زندگی انسان قبل از تصویب شدن اعلامیه حقوق بشر و پس از آن کاملاً شکلی متفاوت به خود خواهد



گرفت. اگرچه این اعلامیه ضمانت اجرایی نداشته و بیشتر جنبه ی توصیه ای و پیشنهادی و، اخیراً اخطاری، دارد اما، در عین حال، باید پذیرفت که با آفرینش آن چارچوبی دقیق و روشن برای شناخت حقوق بشر پیدا شده، و هر بار که کوس رسوایی دیکتاتوری و یا ناقض حقوق بشری، به وسیله ی سازمان های کوشنده در راه تحقق آن به صدا در می آید تردیدی نیست که بشریت یک قدم به سوی آزادی و عدالت و گریز از تبعیض پیش رفته است.

اگرچه، همانگونه که در ماده ی اول اعلامیه حقوق بشر ذکر شده، « تمام افراد بشر آزاد زاده می شوند و از لحاظ حیثیت و کرامت و

حقوق با هم برابرند» اما تصویب اعلامیه حقوق بشر بخصوص برای زنان جهان موهبتی مضاعف را در بر داشته است، چرا که این زنان بوده اند که، همیشه، بیش از مردان از کمبود و پایمال شدن حقوق خویش رنج برده اند. و به همین دلیل هم هست که، در پیشانی نوشت این اعلامیه، پس از سخن گفتن از آزادی و عدالت و صلح، از برابری حقوق زن و مرد یاد می شود و این چند «اصل» را متفقاً «آرمان مشترک تمام مردمان و ملت ها» اعلام می کند.

.... درروز جهانی حقوق بشر کمتر نامی از «الینور روزولت» می گوئیم و می شنویم؛ یعنی زنی که بالاترین نقش را در بوجود آوردن «اعلامیه ی جهانی حقوق بشر» داشته است؛ زنی که شاید به خاطر همسری با رییس جمهور آمریکا و داشتن عنوان بانوی اول این کشور، کمتر از آن چه که شایسته ی او باید باشد تحسین شده است.

اما الینور روزولت از معدود زنانی است که دیوارهای «همسر یک شخصیت بزرگ بودن» را شکسته و خود، به عنوان یک شخصیت مستقل اجتماعی، حتی فراتر از همسرش رفته است.

.... در تاریخ آمریکا زنان معدودی هم بوده اند که از محدوده ی همسر ریاست جمهوری بودن بیرون آمده و به طور مستقل در جریانات اجتماعی شرکت موثر داشته اند. مهم ترین این زنان خانم «الینور روزولت» است؛ یکی از فعال ترین شخصیت های قرن بیستم که در گسترش فکر حقوق بشر و سرپرستی گروه نگارش و تصویب اعلامیه ی جهانی حقوق بشر نقشی اساسی داشته است.

زندگی الینور روزولت با اعجاب در آمیخته است. او تا پانزده سالگی آنقدر خجالتی و آنقدر گرفتار افسردگی بود که همه ی اطرافیانش فکر می کردند هرگز نتواند حتی تحصیلات اش را تمام کند. الینور در هشت سالگی مادرش را از دست داده و با مادر بزرگش زندگی می کرد، و پس از آنکه در ده سالگی پدرش را هم از دست داد کاملاً منزوی و گوشه گیر شد.

در پانزده سالگی اما، عضویت در یک مدرسه ی خصوصی انگلیسی به او اعتماد به نفس تازه ای داد و تغییرات شگرفی را در زندگی او بوجود آورد. و در همین دوران مدرسه نیز بود که با پسری خوش قیافه آشنا شد به نام فرانکلین؛ مردی که بعدها به همسری او در آمد و سپس، با نام مشهور پرزیدنت فرانکلین روزولت، به ریاست جمهوری ایالات متحده ی آمریکا رسید. و مورخین معتقدند که اگر تلاش های خستگی ناپذیر الینور نبود، همسرش به ریاست جمهوری آمریکا نمی رسید.

الینور، پس از ورود به کاخ سفید نیز علاوه بر داشتن سمت (غیررسمی) مشاور رییس جمهوری، به طور مستقل در جریانات مربوط به حقوق بشر، تبعیض نژادی و مسایل مربوط به زنان فعال بود و البته همین امر هم موجب شد که هدف اصلی حملات دشمنان سیاسی روزولت قرار گیرد؛ یعنی کسانی که با رفع تبعیض نژادی و برابری زن و مرد مخالف بودند. اما خلل ناپذیری، مهربانی و صمیمیت الینور او را محبوب بسیاری از مردمان کرده بود. به قول خودش: «اگر حقیقت و وفاداری نشان خود را بر چهره ی کسی گذاشته باشد، همگان مجذوب او خواهند شد».

اما، با مرگ پرزیدنت روزولت، او یک سالی را از اجتماعات دور شد و در کلبه ای به تنهایی زندگی گذراند تا اینکه دیگر باره، به دعوت دولت امریکا، در نقش نماینده ی این کشور در سازمان ملل متحد، و در کمیسیون حقوق بشر آن، فعالیت خویش را آغاز کرد. تقریباً روشن شده که برخی از افراد مهم سیاسی وقت کوشیده بودند با بازگرداندن این چهره ی محبوب مردم امریکا برای خود کسب توجه کنند اما، در عین حال، به خیال خود، او را به جایی فرستاده بودند که از کارهای سیاسی دور باشد. آن ها فکر می کردند که بودن او در

کمیته ای چون «کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل» نمی تواند اهمیت چندانی در تغییر و تحولات سیاسی داشته باشد. اما الینور، با تلاشی تحسین آمیز، سرپرستی یکی از مهم ترین کارهای جهان، یعنی نگارش و به تصویب رساندن «اعلامیه ی جهانی حقوق بشر» را برعهده گرفت و آن را با پیروزی به پایان رساند؛ اعلامیه ای که، به قول خودش، «از دل تاریخ و واقعیت های معاصر بیرون کشیده شده» بود و می رفت تا بر تمامی روابط سیاسی و اجتماعی و فرهنگی جهان اثری غیر قابل انکار بگذارد.

اگرچه، در برخی از اسناد، از خانم روزولت تنها به عنوان رییس کارگروه نگارش و تصویب این اعلامیه نام می برند و نگارش متن را متعلق به حقوقدان ها و روشنفکرانی چون جان همفری (حقوقدان کانادایی)، چارلز مالیک (سیاستمدار و فیلسوف لبنانی)، رنه کاسان (حقوقدان فرانسوی)، و پنگ چون چانگ (فلیسوف چینی) می دانند اما اسناد دیگری نیز وجود دارند که نشان می دهند خانم روزولت در نگارش این متن هم نقشی خاص داشته است. او در یکی از مصاحبه هایش، با توافقی که همیشه در برخوردهایش داشت، می گوید: «نگارش پیش نویس اعلامیه حقوق بشر، برای همکارانم در کارگروه نگارش، به ویژه برای دکتر پ.س.چانگ، دکتر شارل مالک و جان هامفری، که همگی اشخاص بسیار فرهیخته ای هستند، ممکن است چندان دشوار و سنگین جلوه نکند. اما این کار در نظر من وظیفه ای است که برای آن به هیچ وجه آمادگی نداشته ام. با این همه امیدوارم بتوانم به آنان در یافتن واژگانی، که آنها را از دل تاریخ و نیز از اوضاع روز و واقعیت های معاصر بیرون می کشند، به نحوی یاری رسانم تا همگان بتوانند اهداف ما را دریابند و برای تحقق آن ها بسیج شوند». و بر بسیاری از محققین آشکار است که اگر اعلامیه ی جهانی حقوق بشر متنی خشک و حقوقی نیست و شکلی همه فهم دارد بدون تردید این شکل را مدیون تلاش های الینوری هستیم که همواره ارتباطی تنگاتنگ با مردمان ساده داشت.

تصویب اعلامیه حقوق بشر، در دهم دسامبر ۱۹۴۸، با سخنرانی خانم روزولت، و با این کلمات انجام شد: «ما امروز در آستانه ی وقوع یک رویداد بزرگ هستیم؛ رویدادی که در تاریخ سازمان ملل و حیات انسان ها تأثیر زیادی خواهد داشت». اعلامیه با ۴۸ رای موافق، هشت رای ممتنع، و بدون هیچ رای مخالف به تصویب رسید و با آفرینش اش جهان وارد مرحله ای تازه از زندگی خویش گشت.

تعهدات اخلاقی و معنوی که این اعلامیه در بر داشت بعد از چندی به صورت کمیسیون حقوق بشر سازمان یافت و به موقع خود جامعه جهانی بهائی نیز دلائل مثبتی داشت که از چنین دستگامی استفاده نماید زیرا کمیسیون حقوق بشر چون سپری اقلیتهای ممالک را از آزار و عذاب های معهود گذشته حفاظت میکرد.

هشت مشرق‌الاذکار دیگر در عشق آباد، استرالیا، آلمان، هند، پاناما، اوگاندا، ایالات متحده و ساموای غربی

مشرق‌الاذکار عشق آباد



اولین مشرق‌الاذکار بهائی در سال ۱۹۰۸ در عشق‌آباد ترکمنستان، که محل زندگی جمع بزرگی از بهائیان بود، بنا شد. مشرق‌الاذکار در در میان باغی قرار داشت که در گوشه‌های آن تأسیساتی از جمله مدرسه، مسافرخانه و یک بیمارستان کوچک قرار گرفته بود. این بنا در سال ۱۹۲۸ توسط مقامات شوروی ضبط و به بهائیان اجاره داده شد. اما ده سال بعد آن را به کلی مصادره و عاقبت در سال ۱۹۶۳ به خاطر آسیب‌هایی که در زلزلهٔ پانزده سال قبل به بنا وارد شده بود کاملاً تخریب کردند.

مشرق‌الاذکار شیکاگو:



قدیمی‌ترین مشرق‌الاذکاری که پا برجاست در ساحل دریاچه میشیگان در ویلمت ایلینویز در ایالات متحده قرار دارد. کار این بنا در سال ۱۹۲۱ آغاز و در سال ۱۹۵۳ به پایان رسید. در سال ۱۹۷۸ این ساختمان به فهرست اماکن تاریخی آمریکا اضافه شد.

مشرق‌الاذکار ساموا:



مشرق‌الاذکار تیاپاپاتا،

در نزدیکی آپیا در ساموا را مالیه‌توا تانومافیلی، سلطان ساموا (۱۹۱۳-۲۰۰۷) که نخستین پادشاه بهائی بود در سال ۱۹۸۴ افتتاح کرد.

مشرق الاندکار هندوستان:

مشرق الاندکار تماشائی دهلی نو در هند که در سال ۱۹۸۶ افتتاح شد یکی از پربیننده‌ترین بناهای جهان است که به طور متوسط در سال ۳/۴ میلیون بازدیدکننده دارد. این بنا برنده جوایز متعدد معماری شده است. طرح آن که از نیلوفرهای آبی الهام گرفته شامل ۲۷ گلبرگ مستقل مرمرین است.



مشرق الاندکار پاناما:

مشرق الاندکار پاناما در شهر پاناما، روی صخره بلندی در "تیپه آوازخوان" مشرف به شهر است. این بنا با سنگ‌های محلی و با طراحی یادآور پارچه‌های بومیان آمریکا ساخته شده است. این بنا در سال ۱۹۷۲ تمام شد.



مشرق الاندکار سیدنی:

مشرق الاندکار سیدنی، استرالیا در ۱۷ سپتامبر ۱۹۶۱ افتتاح شد. زمین این مشرق الاندکار در میان جنگل‌های طبیعی اینگلساید در حومه شمالی سیدنی به اقیانوس آرام مشرف است.



مشرق الانکار آلمان:

اولین مشرق الانکار بهائی در اروپا در دامنه کوه‌های تونوس در آلمان در روستای لانگنهاین در شهرک هافه‌ایم، هیس، در حومه فرانکفورت قرار دارد. این بنا که ترکیبی از فولاد، شیشه و آلومینیوم است در سال ۱۹۶۴ افتتاح شد.



مشرق الانکار کامپالا:



مشرق الانکار قاره آفریقا روی تپه کیکایا در بیرون شهر کامپالا در یوگاندا بنا شده است. این بنا در ۱۳ ژانویه ۱۹۶۱ افتتاح شد.

مقر است درسال آینده در همان تاریخ افتتاح جشنهای باشکوهی بمناسبت پنجاهمین سالگرد این بنای عظیم با حضور تعدادی از مهاجرین عزیز وفداکاران خطه که موفق به فتح روحانی آن شدند برگزار گردد.

چند خبر کوتاه از ایران:

نقل از سایت سرویس خبری جامعه بهائی ۸-۲ آذر ۱۳۸۹

نور: دستگیری آقایان محمود رزی و جمال چوپانی

۰۸ آذر ۱۳۸۹

در ۱۲ آبان ۱۳۸۹ آقای محمود رزی و آقای جمال چوپانی هر دو اهل نور (استان مازندران) توسط مأموران وزارت اطلاعات دستگیر شدند.

نور: دستگیری خانم فریده علی بابائی (تائید) و دخترش، خانم شیدا تائید

۰۸ آذر ۱۳۸۹

در ۱۵ آبان ۱۳۸۹ منزل خانواده های شهنازی و تائید در شهر نور (استان مازندران) توسط مأموران وزارت اطلاعات بازرسی و مطالب مربوط به آئین بهائی به اضافه بعضی وسایل شخصی مثل کامپیوترها ضبط شد. دو هفته بعد، در ۲۹ آبان ۱۳۸۹ خانم فریده علی بابائی (تائید) و دخترش، خانم شیدا تائید (که محل سکونت-شان در ۱۵ آبان بازرسی شده بود) دستگیر و به زندان ساری منتقل شدند. در حال حاضر جزئیات بیشتری در دست نیست.

کرج: صدور حکم برای آقای حسین شایگان

۰۸ آذر ۱۳۸۹

دادگاه آقای حسین شایگان اهل کرج که در ۲ شهریور ۱۳۸۹ دستگیر شده بود، در ۱۰ مهر ۱۳۸۹ به صورت غیر علنی برگزار شد. سه روز بعد به وکیل او گفته شد که آقای شایگان به یک سال زندان و پس از آن یک سال تبعید به شهر سراوان (استان سیستان و بلوچستان) محکوم شده است. آقای شایگان علیه این رأی تقاضای تجدید نظر داده است.

در ۱۴ بهمن ۱۳۸۸ یک مغازه متعلق به آقای شایگان مهر و موم، خانه اش بازرسی و مطالب مربوط به آئین بهائی و بعضی وسایل شخصی او ضبط شد.

رفسنجان: به آتش کشیدن مغازه های تعداد بیشتری از بهائیان

۰۸ آذر ۱۳۸۹

پس از حادثه به آتش کشیده شدن سه مغازه متعلق به بهائیان در رفسنجان (استان کرمان)، دو مغازه دیگر متعلق به بهائیان در همان شهر آتش زده شده است: در ۲۴ آبان ۱۳۸۹ مغازه های تعمیر لوازم خانگی متعلق به آقایان علی شاکر و علی عمادی هدف حمله آتش افروزان ناشناس قرار گرفت. خسارت وارده از ده ها میلیون تومان (ده ها هزار دلار) افزون است.

رفسنجان: آتش زدن سه مغازه متعلق به بهائیان

۰۲ آذر ۱۳۸۹

در ۳ و ۵ آبان ۱۳۸۹ سه مغازه تعمیرات لوازم خانگی متعلق به بهائیان در رفسنجان (استان کرمان) توسط افراد ناشناس به آتش کشیده شد. فعلاً جزئیات بیشتری در دست نیست.

تهران: آزادی خانم مهین خانجانی

۰۲ آذر ۱۳۸۹

خانم مهین خانجانی اهل تهران در ۱۵ مهر ۱۳۸۹ توسط مأموران وزارت اطلاعات دستگیر و در ۱۷ مهر ۱۳۸۹ با قرار وثیقه آزاد شد. در حال حاضر اطلاعات بیشتری در دست نیست.

اصفهان: احضار آقایان سروش پزشکی، عنایت الله نعیمی و احسان الله اشتیاق برای آغاز دوران محکومیت شان

۰۲ آذر ۱۳۸۹

در ۱۳ آبان ۱۳۸۹ از آقایان سروش پزشکی، عنایت الله نعیمی و احسان الله اشتیاق، همه اهل اصفهان، خواسته شد تا ظرف سه روز خود را به دایره اجرای احکام دادگاه انقلاب اصفهان معرفی کنند. در ۱۶ آبان ۱۳۸۹ آنها خود را معرفی کردند و اطلاع یافتند که ظرف ۱۵ روز آینده (یعنی تا ۱ آذر) قرار است دوران یک ساله محکومیت زندان خود را که در دادگاه ۶ آذر ۱۳۸۵ به حکم تعلیقی تبدیل شده بود، آغاز کنند. این سه نفر در ۱۶ بهمن ۱۳۸۴ دستگیر و در ۱۴ اردیبهشت ۱۳۸۵ با قرار وثیقه آزاد شدند.

سمنان: زندانی شدن آقای عادل فنائیان

۰۲ آذر ۱۳۸۹

در ۲۳ آبان ۱۳۸۹ آقای عادل فنائیان اهل سمنان دستگیر و به زندان برده شد. فعلاً جزئیات بیشتری در دست نیست. آقای فنائیان پیش تر در اردیبهشت ۱۳۸۴ دستگیر و با قرار وثیقه آزاد شده بود. خانه آقای فنائیان یکی از ۲۰ خانه ای بود که در آذر ۱۳۸۷ در سمنان مورد یورش قرار گرفت. تقاضای تجدید نظر او علیه دستگیری اش در سال ۱۳۸۴ در دیوان عالی کشور رد شد و او در ۱۵ دی ۱۳۸۷ به ۶ ماه زندان محکوم و بلافاصله زندانی شد. او در ۱۱ تیر ۱۳۸۸ پس از گذراندن محکومیت خود آزاد شد.

سمنان: آزادی خانم روفیا بیدقی با قرار وثیقه

۰۲ آذر ۱۳۸۹

در ۲۵ آبان ۱۳۸۹ خانم روفیا بیدقی اهل سمنان که در ۱۶ آبان ۱۳۸۹ دستگیر شده بود، پس از ارائه وثیقه به ارزش ۷۰ میلیون تومان (حدود ۶۸ هزار دلار آمریکا) آزاد شد.

ما که دادیم دل و دیده فدای ابهی

گو بیا سیل و غم و خانه زبنیاد ببر